



صحنه‌های شلوغ در نقاشی ایرانی
و خروج از قاب اصلی از نسخه
شاهنامه تهماسبی در سده دهم
هجری. مأخذ: پاکباز، ۱۳۸۵: ۱۰۲
و ۱۰۵.



واکاوی زمینه‌های مطالعه صنایع دستی در متون کهن دوره اسلامی ایران

عبدالکریم عطارزاده*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۲/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۷/۱۸

چکیده

اگرچه در متون کهن به گونه‌های مختلف از صنایع دستی سخن به میان آمده است، اما در پژوهش‌های امروزی چندان مورد توجه نیست. بر این اساس گشودن درهای جستجو برای اشراف بیشتر به گذشته صنایع دستی ضرورت کنکاش در متون را دوچندان می‌کند. لذا، برای آگاهی از تجلی صنایع دستی در متون، واکاوی گسترده‌ای برای پاسخ به پرسش‌های زیر صورت گرفت: ۱. با توجه به تنوع بسیار متون دوره اسلامی از نظر موضوعی اطلاعات مربوط به صنایع دستی را باید در کدام متن‌های تاریخی جستجو کرد؟ ۲. این متن‌ها در چه زمینه‌ها و ویژگی‌هایی از صنایع دستی می‌توانند مورد مطالعه قرار گیرند؟ هدف از این پژوهش در اختیار نهادن امکانات استنادی و مطالعاتی گسترده‌تر برای پژوهشگر صنایع دستی است و اینکه موضوعات پژوهشی جدیدی در حوزه صنایع دستی از طریق جستجو در متون به دست آید و به این ترتیب بخش‌هایی از اطلاعات پنهان صنایع دستی گذشته آشکار شود. اطلاعات از طریق سیر در متن‌های کهن متعدد موجود در کتابخانه‌ها و گزینش زمینه‌های متنوع تجلی صنایع دستی در آنها گردآوری شد. نتیجه بررسی‌ها نشان داد که اطلاعات مربوط به صنایع دستی در انواع متون جغرافیایی، تاریخی، پزشکی، علمی، ادبی، مذهبی، فقهی، حماسی، درباری، سفرنامه و غیره آمده و این اطلاعات زمینه‌های متنوعی از علوم و معارف مرتبط با صنایع دستی را دربرمی‌گیرند که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: آشنایی با ناگفته‌های صنایع دستی؛ کشف اصطلاحات و عنوان‌های مرسوم گذشته؛ احیای صنایع دستی فراموش شده؛ کشف واقعیت‌های فکری و فرهنگی پیرامون صنایع دستی گذشته، و طبقه‌بندی و به سامان کردن آنها. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بود تا ضمن وصف متن انتخابی، زمینه‌های موضوعی معرفی شوند و روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی

متون کهن، صنایع دستی، هنرهای سنتی، دوره اسلامی، ایران.

مقدمه

صنایع دستی مجموعه آثار و محصولات است که دست (در مقابل ماشین) در تهیه و تولیدشان نقش اساسی دارد، ذوق و سلیقه و خلاقیت سازنده برای زیباسازی آن بسیار به کار می‌آید و نشانه‌هایی از سنت و فرهنگ پیشینیان با هدف زنده نگهداشتن کردارهای نیک گذشته در آن به چشم می‌خورد. متون کهن نیز مجموعه ثبت شده دانش‌ها، حوادث، و اطلاعات متنوع گذشته است و از زمانی آغاز شد که انسان خط را ابداع کرد و به نوشتن اتفاقات پیرامونی همت گمارد. امروزه فعالیت‌ها و برنامه‌های گسترده‌ای برای شکوفایی هنرهای ملی و صنایع دستی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه با اهدافی خاص انجام گرفته و می‌گیرد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به هویت‌یابی و شناسنامه‌دار کردن سرزمین و ملت و نشان دادن تمدن دیرینه و شکوفای هر سرزمین، اشتغال‌زایی و تنوع در فعالیت‌های اقتصادی، جذب گردشگر، بهره‌گیری از علوم و تجربیات موفق پیشین در هر سرزمین، شناخت مستندتر و واقعی‌تر تاریخ و ایجاد کارگاه‌ها به شیوه گذشته به‌عنوان موزه‌ای زنده و پویا، توسعه فرهنگ و هنر و مانند آنها اشاره کرد. در ایران نیز به‌ویژه در دهه‌های اخیر تلاش‌های ارزنده‌ای شده که می‌توان از مهم‌ترین آنها راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها را نام برد. باززنده‌سازی و شناخت صنایع دستی پیشین، مطالعه و پژوهش‌های گسترده و طولانی را می‌طلبد. مسلماً بسیاری از دانش‌ها و آگاهی‌های مربوط به صنایع دستی گذشته در گذر زمان از میان رفته و دو راه برای آشنایی با آنها وجود دارد: آثار باقیمانده و به‌دست آمده، و متون گذشته. بررسی آثار موجود بیشتر به وصف و معرفی سطحی آنها می‌انجامد و بسیاری از اطلاعات پیرامونی از قبیل کاربرد، باورها، ارتباطات، حوادث، مفاهیم و عملکرد آنها در بوتۀ فراموشی مانده است. در بسیاری از متون کهن، ضمن معرفی وصفی آنها، به بخش‌های قابل توجهی از این مفاهیم پرداخته شده است، اما چندان توجهی به آنها در پژوهش‌های امروزی نمی‌شود. این در حالی است که هزاران هزار متن از گذشته باقی مانده و هرکدام با موضوع خاصی نوشته شده‌اند. نیز با توجه به پراکندگی فراوان نوشته‌های گذشته و ویژگی‌های حاکم بر ادبیات هر دوره، روش‌ها و زمینه‌های متنوعی برای معرفی صنایع دستی به کار رفته است. در پژوهش حاضر این سؤالات مطرح است که برای پیگیری اطلاعات مربوط به صنایع دستی باید به سراغ کدام متن‌های تاریخی از نظر موضوعی رفت؟ و این متن‌ها در چه زمینه‌هایی از مطالعات صنایع دستی اهمیت دارند؟ این کنکاش با هدف معرفی موضوعات پژوهشی برای مطالعات بیشتر در زمینه صنایع دستی انجام گرفته است.



تصویر ۱. بهره‌گیری از متن «جواهرنامه نظامی» تألیف محمدبن ابی البرکات جوهری نیشابوری به سال ۵۹۲ هجری درباره سنگ‌ها، فلزات، معدن‌شناسی، و ساخت انواع لعاب، خرمهره، شیشه و سفال زرین فام و غیره برای ساخت سفالینه‌های فلز فام توسط عباس اکبری، مآخذ: اکبری، ۱۳۹۳، ۱۳.

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و جامعه آماری آن: متون دارای اطلاعات صنایع دستی در دو گروه مورد بررسی قرار گرفت. نخست متونی که به‌صورت مستقیم و تخصصی و با هدف معرفی صنایع دستی و هنرهای سنتی نوشته شده‌اند. مانند غرایس الجواهر و نفایس الأطایب از عبدالله بن علی کاشانی در قرن نهم هجری در خصوص سنگ‌های قیمتی؛ الجامع بین العلم والنافع فی صنایع الحیل از جزری در قرن ششم هجری در زمینه صناعات و فنون؛ مناقب هنروران از عالی افندی در قرون دهم و یازدهم هجری در زمینه خوشنویسی و تذهیب؛ گلستان هنر از احمدبن حسین منشی قمی در قرون دهم و یازدهم هجری درباره نقاشی و خوشنویسی؛ معالم القریه فی احکام الحسب از ابن اخوه در قرون هفتم و هشتم هجری درباره بایدها و نبایدهای صنایع؛ و رساله‌ای در بیان احوال جواهرات از غیاث الدین منصوربن محمد دشتکی در قرون نهم و دهم هجری.

گروه دوم انواع متونی هستند که در دوره اسلامی با عناوین و اهداف دیگری نوشته شده‌اند و به صورت غیرمستقیم اطلاعاتی را در خصوص صنایع دستی در بر دارند، مانند متن‌های تاریخی، جغرافیایی، علمی، سفرنامه‌ها، اخلاقی، ادبی، داستانی، فقهی، دینی و شاهانه. چون متون گروه نخست بسیار مورد توجه قرار گرفته و معرفی شده‌اند، در این پژوهش مورد نظر نبود و اساس جستجو در این مقاله متن‌های گروه دوم بود. بر این

مرداد و شهریور ۱۳۷۱، تاریخ قالی ایران را به اوایل دوره اسلامی نسبت داده است؛ مقاله «بررسی تطبیقی بنیان مشترک ادبیات منظوم و هنرهای سنتی در اشعار خسرو و شیرین و کاخ عالی قاپو» از مهسا چنانه و اشرف السادات موسوی لر، در فصلنامه نگره، دوره ۹، شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۳ به همگرایی شعر و هنر سنتی در تزیینات کاخ عالی قاپو پرداخته است؛ مقاله «مقایسه واژگان امروزی با واژگان پیشین مواد اولیه رنگ‌کننده لعاب‌ها در دوران اسلامی ایران» از یوسف امینی و دیگران در دوفصلنامه مطالعات تطبیقی هنر، شماره ۷، ۱۳۹۳، به تنوع واژه‌های مربوط به سفال و لعاب در گذشته اشاره و بیان کرده که تعدادی از آنها فراموش شده و برخی واژه‌های امروزی نیز معادل قدیمی ندارد؛ ژینوس نازک‌کار در کتاب آیین و رسوم رایج در تاریخ بیهقی و در عهد غزنوی تهران، در خصوص خلعت و برخی مراسم مربوط به آن در متن مذکور اطلاعات مفیدی داده است.

آشنایی با دانش‌های صنایع دستی گذشته که امروزه آگاهی چندانی از آنها در دست نیست:

بسیاری از مواد و مدارک تاریخ هنر ایران و در رأس آنها صنایع دستی در گذر تاریخ از میان رفته که درخور بررسی و پژوهش است. در این خصوص متون کهن مورد پژوهش از غنی‌ترین منابع دستیابی به اطلاعات دوره اسلامی به شمار می‌رود. برای تبیین این سخنان کافی است به تلاش‌های گسترده‌ای که در زمینه کشف رمز تهیه و ساخت سفال زرین‌فام در سده‌های پیشین انجام گرفته توجه شود. شیوه ساخت و پخت این نوع سفال سال‌های زیادی در کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های پیشرفته امروزی مورد واکاوی و بررسی قرار گرفت و رسالات دکترای زیادی را به خود اختصاص داد تا نمونه‌های آن ساخته شد (برای نمونه نک: کلبادی‌نژاد، ۱۳۹۱؛ نیکخواه، ۱۳۹۳؛ تصاویر ۱ و ۲). نیز با خوانش متون مزبور می‌توان به تنوع ساخت و استفاده از انواع محصولات صنایع دستی اشاره کرد. برای نمونه بر اساس توصیف مسعودی، مورخ سده‌های سوم و چهارم هجری، در مروج الذهب (۱۳۷۴، ۲۱-۲۲) آفرینش انسان به سان ساخت سفال بوده و مورخ برای شرح آفرینش بشر، به روش تجربی و احتمالاً مطابق دانش روز، روش تهیه و ورز دادن و آماده کردن و استفاده از آن را طی چند ماه، و با مراحل مختلف شرح داده است. وی در کتاب دیگر خود التنبیه والاشراف (۱۸۹۴: ۱۰۶-۱۰۷)، در دیدارش از شهر استخر در سال ۳۰۳ هجری به کتبی اشاره می‌کند که تصاویری از اردشیر با تاجی سبز، خسرو پرویز با تاج و شمشیر مرصع به طلا و نقره، شاهان ساسانی و زنانشان را دارد. نیز به نوشته‌ی ثعالی (۱۹۶۳: ص ۶۹۸-۷۰۰)، مورخ دوره اسلامی، تحت طاق‌دیس در کاخ کسری از چوب آبنوس و مرصع به عاج و طلا و نقره، با طاقی طلایی با نقوش آسمان و

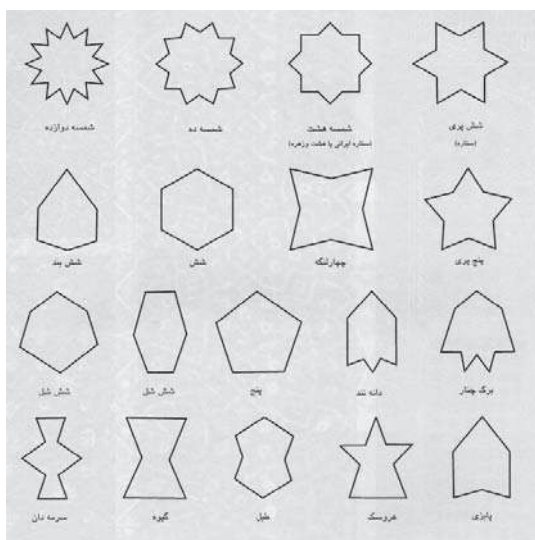


تصویر ۲. ساخت ظرفی شیشه‌ای به پیروی از ظرفی به نام کاس العدل که به صورت مکانیکی مقدار آب محدودی در آن جمع می‌شود و اگر از حد معمول فراتر رفت، تمام آب از ظرف خارج می‌شود. برگرفته از کتاب الحیل تألیف احمد بن موسی بن شاکر خراسانی در سده سوم هجری، موجود در ساختمان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مأخذ: ???

اساس جامعه آماری با بهره‌گیری از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده، به این صورت مشخص گردید که ابتدا متون از ابتدای دوره اسلامی تا دوره قاجار، از نظر محتوا به ده قسمت به ترتیب مذکور تقسیم و از میان هر گروه ده متن از سده‌های مختلف انتخاب شد. بر این اساس حدود یکصد متن بررسی و اطلاعات آنها یادداشت گردید که برای جلوگیری از طولانی شدن گزارش پژوهش سعی شده است انواع اطلاعات به دست آمده طبقه‌بندی شده و به نمونه‌ها و مثال‌های معدودی بسند شود.

پیشینه تحقیق

پیشینه موضوع در دو بخش قابل ارائه است: نخست محققانی که در سال‌های اخیر اهمیت مطالعه متون را گوشزد نموده‌اند. برای مثال، ایرج افشار که در مقاله‌ای با عنوان «مقدماتی درباره تاریخ معماری...» از اصطلاحات زیبای فراموش شده در خصوص تزیینات بناها و توجه به متون برای کشف این واژگان نوشته است؛ مایل هروی در مصاحبه‌ی مکتوب خود به تجلی هنرهای سنتی در متون و بهره‌گیری از آنها در مطالعات امروزی پرداخته است؛ مقاله «نسل جوان گریز از متون کهن» از فرید مرادی در ماهنامه آزما، شماره ۱۰۳، تیر ۱۳۹۳، اهمیت متون را در مطالعات امروزی در زمینه‌های مختلف گوشزد کرده است. بخش دوم پژوهشگرانی هستند که با بهره‌گیری از متون کهن گوشه‌هایی از ویژگی‌های صنایع دستی گذشته را معرفی کرده‌اند؛ برای نمونه، حسن انوری در کتاب اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، و سید احمد حسینی کازرونی در کتاب فرهنگ تاریخ بیهقی بسیاری از واژه‌های مورد استفاده در میان دولتمردان غزنوی و سلجوقی، به کاررفته در تاریخ بیهقی، از جمله پوشاک و وسایل هدایی (خلعت) را معرفی و معنا کرده‌اند؛ نیز سیروس پرهام در مقاله «فرش گره‌بافته در متون فارسی...» در مجله نشر دانش، سال ۱۲، شماره ۵،



تصویر ۴: نقوش هندسی بسیار متنوع هستند. آیدار تعبیرها و تفسیرهای امروزی تمامی آنها مورد توجه قرار می‌گیرند یا فقط به یک یا دو عنصر پرداخته می‌شود؟ مأخذ: رجبی اصل، ۱۳۸۱، ۱۱۸.



تصویر ۳: کاشی تراش به جای معرق، مأخذ: رجبی اصل، ۱۳۸۱، ۱۶۸.

می‌شوند. پس نمی‌توان صرف مراجعه به فرهنگ‌های لغات امروزی واژه‌های سده‌های پیشین را به درستی درک کرد (علوی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۱۷۹-۱۸۲). در خصوص صنایع دستی گذشته این موضوع کاربرد زیادی دارد. بر این اساس بسیاری از واژگان مرتبط با هنرهای سنتی در گذر تاریخ از میان رفته و یا تغییر معنی داده‌اند. این تغییرات سبب شده تا عبارات و کلمات زیادی از زبان‌های دیگر جایگزین واژگان اصیل ایرانی شوند. آگاهی از آنها می‌تواند علاوه بر شناخت فزون‌تر صنایع دستی پیشین، به انتخاب واژه‌ها و عبارات برتر برای نامگذاری در زمینه صنایع دستی منجر شود. در این خصوص دو نکته قابل تأمل است:

الف. گاهی واژه‌های اصیل و سنتی فراموش شده و به فراخور هنرهای موجود ملی و بیگانه، از واژه‌های دیگری برای نامیدن یک هنر استفاده شده است. برای نمونه مسعودی (۱۹۶۵، ۶۱، ۱۴۶-۱۴۷، ۵۸۹-۵۹۰) از پرده و حوله پوشش خانه کعبه و تلفیق آنها با هم و بهره‌گیری از چرم و حریر برای بافت و تهیه آنها، نصب پرده‌های بسیار بزرگ با وسایل و امکانات روز بر بناهای مقدس، دستگاه نورد و روش تهیه حریر و منقوش کردن آنها بدون استفاده از چاپ و خلاقیت بافنده که هم بافنده و هم طراح بوده، مرواریدهای موسوم به محار و بلبل، استفاده از موجودات دریایی برای ساخت صنایع دستی مانند لاک لاک‌پشت به تفصیل سخن گفته که واژگان معمول در متن در نوع خود قابل تأمل و بررسی است. نیز کاتب یزدی در کتاب تاریخ جدید یزد (۱۳۵۷) همزمان با دوره تیموری مکرر از واژه کاشی تراش به جای کاشی معرق استفاده

ستاره‌ها و ماه‌ها و اقالیم سبعه و نقش پادشاهان، مرصع به مروارید و یاقوت و روی آن تاجی طلا بوده است. این تاج با زنجیری از بالا بر روی تخت آویزان و سر پادشاه با آن تماس می‌شد و آزاری به سر نمی‌رساند. یا اینکه در وقفنامه ربع رشیدی (۱۳۵۰) به کارخانه‌های شعربافی، کاغذسازی، رنگرزان، دارالضرب، استخدام هنرمندان و صنعتگران شهرهای مختلف برای کار در این کارگاه‌ها، نوشتن قرآن کریم به خط خطاطان مشهور و تذهیبکاری آنها، نقاشی وزرگری توسط استادکاران و فرزندانشان اشاره رفته است. شاید هیچ مدرک دیگری بهتر از متن‌های دوره صفوی نتوانسته‌اند ویژگی‌های فلزکاری صفویه را نشان دهند. در این خصوص کمپفر^۱ (بی‌تا، ۱۵۱) ایرانگرد دوره صفویه، در سفرنامه خود می‌نویسد: «در مسگرخانه اصفهان انواع و اقسام آلات فلزی تولید می‌شود. اینها در ساختن و پرداختن ظروف و لوازمی که ما به هیچ‌وجه با آنها آشنایی نداریم مهارت بسیار دارند». شاردن^۲ (۱۳۶۲: ج ۴، ۳۳۸-۳۳۹)، دیگر سیاح دوره صفویه نیز می‌نویسد: «در آشپزخانه‌های ایران لوازم و اسباب مسی ساخته و فراهم می‌شود. باید به مهارت و چیره‌دستی مسگرهای ایرانی آفرین گفت. به هیچ‌وجه ابزار و آلات آهنی و قلعی و چوبی وجود ندارد و تمام وسایل طبخشان مس سفید کرده ظریف و زیبا مانند آب نقره است».

بازیابی واژگان رایج صنایع دستی در گذشته، تصحیح واژه‌های معمول فعلی و اصالت دادن به آنها

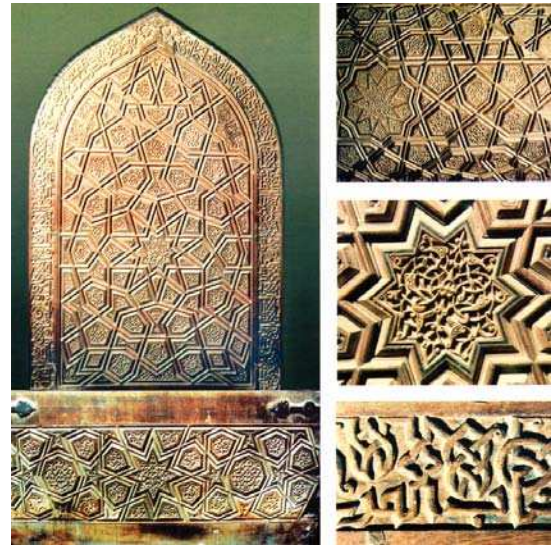
واژگان در زبان مانند سلول‌های یک موجود زنده هستند، به تدریج تعدادی از آنها می‌میرند و تعدادی متولد

1. Kampfer
2. Chardin

مصلاهی نماز، حصیرهای مغربی، فرشهای نیکوی ابریشمین، فرش قیمتی دیوارپوش، فرشهای دیبا، نمودزینهای دیبای رومی و زیلو سخن به میان آورده که کارکردهای چندگانه و بافت‌های مختلف را در سده پنجم هجری نشان می‌دهد (ناصرخسرو، بی تا، ۲۹-۴۹، ۵۴-۵۵، ۷۲، ۷۹، ۱۴۲). نیز مکرر از واژه «محفوری» به معنای زیرانداز بدون پرز در تاریخ بیهقی استفاده شده است (بیهقی، ۱۳۷۶، ۳۱۱). نمونه دیگر واژه خلعت است که در متون مختلف با معنا و محدوده خاصی به کار رفته است. برای نمونه ابوالفداء (۱۹۹۹، ج ۴، ۱۱۵) و ابن خلدون (۱۹۸۸، ج ۱، مقدمه، ۳۲۹) آن را هدیه پادشاه به دولتمردان برشمرده و مترادف انعام، هدیه، جایزه، صلح و پیشکش دانسته‌اند، در حالی که طبری (۱۳۷۴) علاوه بر معانی قبل، هدایای پادشاه به سفرای خارجی و مستمری غیرنقدی به کارکنان دولتی را نیز خلعت دانسته است. عناوین و اصطلاحات دیگری مانند مُکَل، مرصع، هارهای (پاره‌های) مروارید و... که در جواهرسازی به کار رفته و نمونه‌های نادری از جواهرات که در حال حاضر قابل دسترسی نیستند، شایان توجه و تأمل می‌باشد. در تاریخ بیهقی (۱۳۷۶، ۱۸۵) در مورد هدایا و جهیزیه آمده است: «دو جام مرصع به جواهر با هارهای مروارید و ... و دو عقد گهر که یکدانه گویند». یکدانه به بی‌مانند تعبیر شده و این واژه زیبا نام‌گذاری بر جواهرات خاص و کم‌نظیر را به‌خوبی نشان می‌دهد. در متن کهن تاریخ جهانگشای جوینی (۱۳۲۹، ق. ۵) نیز واژه‌ها و اصطلاحاتی مانند جامهٔ مذهب، نمد سپید، پارچه زندنیچی (کرباسی از روستای زندنه در بخارا)، ثیاب مذهب، طاووس پوش، ثیاب مروارید، زربفت شاهنشاهی، استبرق (پارچه حریر مرصع زربفت کرباس) و در تاریخ طبری (۱۳۷۴، ۸۱، ۲۱۷، ۳۵۴) پارچه معصفری، جامهٔ نرم، پلاس از جنس لیف، نسیج چلیپا، دیبای رومی، و مانند آنها قابل تأمل است.

آیا نقدها، تفسیرها و تحلیل‌های امروزی در زمینه هنرهای سنتی درست است؟

در سده‌های اخیر، اروپاییان به دنبال اندیشه‌ها و انگیزه‌های پنهان در پس آثار، ضمن معرفی ظاهر اثر به بررسی باطن و محتوای آن نیز پرداختند؛ به همین دلیل بسیاری از منتقدان و تحلیلگران، تاریخ هنر را با هدف نیل به مکتب‌های فکری و فرهنگی گذشته دنبال می‌کنند. در میان پژوهش‌های متنوع، هنرهای سنتی در یک سده اخیر جایگاه والایی در این مباحث به دست آورده و برای تفسیر و تحلیل آن از دین، مذهب، حکمت، فلسفه، عرفان، معنویت و اخلاق وام گرفته شده است. اما این نظرات تا چه میزان با واقعیت‌های زمان ساخت و خلق اثر هنری مطابقت دارد؟ برای درک بهتر، علمی‌تر و مستندتر این



تصویر ۵. بهره‌گیری از انواع ستاره و شمسه در مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مأخذ: رجیبی اصل، ۱۳۸۱، ۹۵.

کرده که امروزه می‌تواند جایگزین مناسبی برای این هنر سنتی باشد (تصویر ۳).

ب. گاهی گستردگی معنا و مفهوم واژه‌های مرتبط با صنایع‌دستی در گذر زمان به فراموشی سپرده و بسیار محدود شده است. برای نمونه استعمال واژه ابریق امروزه کاربرد خود را از دست داده و این در حالی است که بسیاری از تنگ‌ها و ظروف نگهداری مایعات در ایران، موجود در موزه‌های جهان با این نام معرفی شده‌اند. نگاه به انواع متون و منابع مختلف استفاده و معنای این محصول صنایع‌دستی را در گذر زمان نشان می‌دهد. به این ترتیب در سورهٔ واقعه آیهٔ ۱۸ «بأکواب و ابریق و کأس من مُعین» به معنای (با کوزه‌ها و مشربیه‌ها و جام‌های پر از شراب ناب) آمده است. در تفسیر این واژهٔ خواجه عبدالله انصاری (۱۳۷۵، ۴۴۵)، طبری (۱۳۴۴، ۲۲۷)، و فخر رازی (بی تا، ۱۵۱) آنرا ظرفی برای آب یا شراب بهشتی؛ و ابن عربی (۱۳۵۷، ۵۵۸) آن را بادهٔ مودت و معرفت و محبت و عشق و حکمت دانسته و طالقانی (۱۳۷۳، ۴۰۰) از پیامبر اسلام (ص) نقل کرده که در آن (بهشت) ابریق‌ها به عدد ستاره‌های آسمان است. در معنای کامل‌تر این ظرف، طبری (۱۳۴۴، ۲۲۶) شکل آن را دسته‌دار و زمخشری (۱۳۸۱) فقط آن را دارای لوله شمرده است. در ادامه انصاری (۱۳۷۵، ۴۴۵) به کاربرد ابریق برای شستن دست اشاره کرده و فخر رازی (بی تا، ۱۵۰) ابریق را ظرف نقره‌ای دانسته که در آخرت برای تنعم و اکرام به کار می‌رود و نه غیر از آن.

ناصرخسرو نیز در سفر به مناطق مختلف از واژه‌ها و اصطلاحات گلیم پوشیدن، حصیرهای منقش، حصیر

۱۳۸۹: ۱۷۵-۱۸۹؛ تصویر ۴). متن‌های کهن گویای باورهای متفاوتی در این خصوص هستند. مثلاً در خصوص فن و هنر زره بافی محمد عوفی در جوامع الحکایات (۱۳۸۲، ۲۸۵) داستان زیبایی را از اعطای این هنر از طرف خداوند به حضرت داوود نقل می‌کند که جزئیات آن اطلاعات جالبی از نحوه، هدف و باور مربوط به تهیه زره می‌دهد. در خصوص ترتیب تاریخی و سیر تحول صنایع دستی نیز متون راهگشای قابل اطمینانی هستند. مثلاً سیروس پرهام به کسانی که معتقدند فرش گره‌باف در ایران باستان نبوده ایراد گرفته و با بهره‌گیری از متونی مانند حدود العالم من المشرق الی المغرب از سده چهارم هجری؛ تاریخ سیستان؛ زین الاخبار یا تاریخ گردیزی؛ و تاریخ بیهقی از سده پنجم هجری به صورت مستند و مستدل بر وجود فرش گره‌باف در ایران از هزاره‌های پیش صحه می‌گذارد (پرهام، ۱۳۷۱، ۶-۹). نیز در خصوص نخستین بافنده‌ها و نساج‌ها در ایران، فردوسی در شاهنامه به پیشینیان و گاه قهرمانان افسانه‌ای مانند تهمورث اشاره می‌کند و می‌گوید:

پس از پشت میش و بره پشم و موی

بریده برشتن نهادند روی

زکتان و ابریشم و موی قرز

قصب کرد پرمایه دیبا و خز

تناسب و انطباق فرضیات فعلی با واقعیت‌های گذشته
(پاسخ به پرسش‌های بی‌جواب)

پرسش و فرضیه و ویژگی پژوهشگر و اندیشه‌ورز و نقطه آغاز مسیر پژوهش است. از آنجا که صنایع دستی ریشه‌ای به درازای تاریخ زندگی بشر دارد، و محصولات و تولیدات آن با فرهنگ و آداب و رسوم و زندگی و دین مردم عجین بوده و پیشینه یک کشور و ملت با آن ارتباطی مستقیم دارد، بررسی متون می‌تواند به بسیاری از پرسش‌های مرتبط با صنایع دستی پاسخ دهد. برای نمونه امروزه در خصوص نقش شمشه و کاربرد و معنای آن در هنرهای سنتی مقالات مختلفی نوشته و پرسش‌هایی مطرح شده است. مطالعه متون می‌تواند یاری رسان پژوهشگر در نیل به پاسخ علمی باشد. چند متن از دوره‌های مختلف تنوع بهره‌برداری و ارتباط یا تفاوت زیبایی‌شناسانه و معنایی این واژه را به خوبی نشان می‌دهد:

قدیمی‌ترین نقش شمشه به نشانه پیامبر اسلام (ص) و با تکرار نام «محمد» (ص) در مسجد ملک زوزن در جنوب خواف در خراسان (۶۱۵) قرار دارد (خزایی، ۱۳۸۷: ۵۹)؛ در دوره تیموریان هند، شمشه یعنی فره ایزدی در چهره پادشاه متجلی بود (علامی، ۱۸۷۷: ۱، ۴۵)؛ در نقاشی مغولان هند پشت سر پادشاه شمشه، نماد فرّ و مشروعیت شاه، و شمشه بزرگ‌تر نشان قدرت و مقام بالاتر شاه رایج گردید؛ کلاویخو (۱۳۴۴، ۲۱۳) در سفر به سمرقند از نقش خورشید بر



تصاویر ۶ و ۷. صحنه‌های شلوغ در نقاشی ایرانی و خروج از قاب اصلی از نسخه شاهنامه تهماسبی در سده دهم هجری. مأخذ: پاکباز، ۱۳۸۵: ۱۰۳ و ۱۰۵.

نظرات، متون کهن بهترین مدارک هستند. اما آیا از این متون برای استناد نظریات هنر اسلامی استفاده شده و اینکه نوع بهره‌گیری از آنها علمی و امانت‌دارانه بوده است؟

در این خصوص استاد زرین‌کوب در مقاله‌ای به شیوه‌های نقد و بهره‌گیری از متون پرداخته و بر برداشت‌های بسیاری از غربی‌ها و حتی ایرانی‌ها ایراد گرفته و تأکید کرده که نباید کار را فقط به پژوهشگران بیگانه داد و فقط از روش‌های ابداعی آنان بهره برد. نیز به ضعف و سطحی‌نگری در نقد و تحلیل آثار در دوره معاصر پرداخته و می‌خواهد در خصوص گذشته کنکاش‌ها دقیق و جامع انجام گیرد (زرین‌کوب، ۱۳۳۷، ۱۰۵-۱۱۰). علوی نژاد نیز به لزوم خوانش و قرائت متن در افق تاریخی آن اشاره کرده و اینکه گاه جهان‌بینی و اندیشه‌های قبلی تحلیلگر بر گفته‌هایش تأثیر داشته است. وی بریدن متن از افق تاریخی پدیدایی آن را به معنای بریدن رگ و حیات آن متن دانسته است. بنابراین برای فهم یک متن باید فرهنگی را که متن در آن سرزمین رویداده است، شناخت (علوی نژاد، ۱۳۷۹، ۱۸۱-۱۸۲).

برای نمونه، در ارتباط با مبانی حکمی و عرفانی و فلسفی در هنر اسلامی و صنایع دستی، برخی محققان امروزی به گسترش مبانی عرفان نظری در خلق آثار هنر دوره اسلامی اشاره کرده و نگرش عرفا به نور، رنگ، هندسه و طبیعت را سرلوحه تمسک هنرمندان برای بهره‌گیری از آنها در هنرهای اسلامی دانسته‌اند (بورکهارت، ۱۳۶۵؛ اردلان و بختیار، ۱۳۷۹). برخی دیگر، به این دلیل که استناد و استدلال مکتوب و شفافی برای این همگرایی وجود ندارد منکر چنین ارتباطی هستند (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹). گروه سوم کسانی هستند که با کنکاش در متون مختلف تاریخی صرفاً به تأثیر رفتاری و عرفان عملی در زندگی و کردار هنرمند اشاره کرده‌اند (قیومی بیهندی،

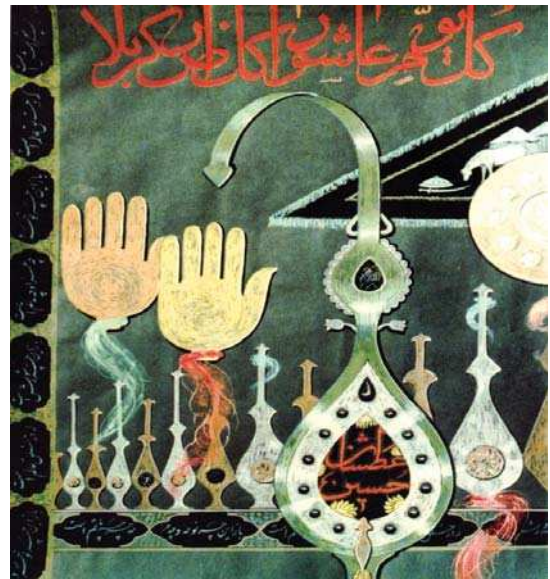
طبقه‌بندی و سامان دادن به آثار و رشته‌های صنایع دستی

وجود صدها رشته در صنایع دستی که به دلیل پژوهش‌های مدام تاریخی و جغرافیایی روز به روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود بسامان کردن و طبقه‌بندی آنها را الزامی نموده است. شناخت بیشتر این رشته‌ها، به‌ویژه در چند دهه اخیر، سبب گوناگونی و تنوع این طبقه‌بندی‌ها بر اساس مباحث فنی، مواد و مصالح، تزئین، جنس، کاربرد و غیره شده است. مطالعه متون در شناخت آثار و روش‌های طبقه‌بندی آنها شایان توجه است. برای نمونه پرهام با مطالعه و بررسی‌های فراوان بر روی متون، انواع واژه‌های مربوط به زیراندازها را در دوره اسلامی این‌گونه طبقه‌بندی کرده است: الف) فرش که در اغلب موارد انواع بافته‌های گسترده و افکندنی است. ب) قالی یا عالی که به طور اخص و بدون استثنا به معنای فرش گره‌بافته خوابدار و پرزدار است. ج) بساط که به انواع گسترده‌تری و گاه به تصریح به فرش گره‌بافته پرزدار گفته شده است. د) گلیم و پلاس و محفوری که اقسام گوناگون دستبافته‌های بدون پرز و گره (جز زیلو) است (پرهام، ۱۳۷۱: ۸).

نیز وجود انواعی از کاغذهای مختلف و با مواد متنوع در دوره اسلامی ایران (وارداتی یا تولید داخل) مانند سمرقندی، بغدادی، دهقانی، حریره سمرقندی، خراسانی، جیحانی، جعفری، سلیمانی، طلحی، طاهری، آهارمهره، ابری، الوان، پارچه‌ای یا کهنه‌ای، پوست، پوست گوساله، تحریری، تزئینی، چسبیده یا وصلی، چینی یا ختایی، دولت‌آبادی یا هندی، دیواری، رحلی، عطاری، عکسی، فرنگی، مشقی، نشاف یا آبچین و نقشه در متون که فلور آنها را یافته است (فلور، ۱۳۹۲: ۳۰۷-۳۱۲). می‌تواند در سامان‌دهی و طبقه‌بندی کاغذ در هنر ایران کمک شایانی نماید.

شناخت فرهنگ‌های حاکم بر هنرهای سنتی

فرهنگ و صنایع دستی در گذشته تأثیرات بسیاری بر یکدیگر داشته‌اند، به این ترتیب که گاه تولید و اجرای هر کدام از صنایع دستی و هنرهای سنتی با مراسم و آداب خاصی انجام می‌شد و گاه در مراسم و جشن‌ها از محصولات صنایع دستی بهره‌زیادی می‌بردند. برای بخش نخست، مراسم قالی‌شوینان، رختخواب دوزان عروس و داماد، سنگاب به دستان برای آب‌رسانی به عزاداران حسینی (ع)؛ و برای قسمت دوم، علم و کتل در مراسم عزاداری، بردن جهاز عروس، تاجگذاری پادشاه و خلعت دادن حاکمان، نمونه‌های قابل توجهی هستند (تصویر ۸). بسیاری از این آداب امروزه از میان رفته و به فراموشی سپرده شده است. مطالعه متون کهن می‌تواند کمک شایانی در بررسی‌های تاریخی و ثبت و حتی باززنده‌سازی آنها



تصویر ۸. انواع اشیاء و محصولات صنایع دستی ساخته شده در ارتباط با فرهنگ عاشورا، مأخذ: رجبی اصل، ۱۳۸۱، ۱۶۵.

فراز همه طاقی‌های بناهای دوره تیموری و اینکه نمادی باستانی بوده گفته است؛ عثمانی‌ها به هلال و شمسه بالای علمشان «خترمه» می‌گویند (عبدی‌بیک شیرازی، ۱۹۷۴: ۱۹۶). به علاوه نقش شمسه با نقوش دیگری مثل ماهی به معنای چشمه خورشید آمده و به صورت دایره، دایره‌های مشعشع، ستاره‌های پنج، شش، هشت و چندضلعی نمایش داده شده است. با این اوصاف آیا می‌توان برای شمسه تنها به یک الگو و معنی بسنده کرد؟ (تصویر ۵).

نیز بسیاری از مطالب در گذشته و امروزه صرفاً به عنوان فرضیه مطرح شده‌اند، ولی بر اثر تکرار و نبود تحلیل درست بر آنها، به یک نظر یا الگو بدل شده و به راحتی قابل تغییر نیستند. از طریق مراجعه به متون گذشته به خوبی می‌توان این مطالب را اثبات یا رد کرد.

برای نمونه در ارتباط با علاقه و ذوق هنرمندان ایرانی به شلوغ و پرکردن صفحات خط و نقاشی مباحث زیادی مطرح شده است. اما آیا واقعاً شلوغ کردن صفحه صرفاً از روی علاقه و با جنبه زیبایشناختی صورت گرفته یا دلایل دیگری داشته است؟ مثلاً المر می‌نویسد «در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری کاغذ در ایران بسیار گران و کمیاب بوده» (Olmer, 1908: 105)، در حالی که بنجامین، نخستین سفیر آمریکا در ایران، معتقد است «اسناد و مدارک ایرانیان به ندرت از یک صفحه تجاوز می‌کند و نوشتار و عبارات موضوع کار مختصرند. اگر هم طول سند مربوطه از یک صفحه بیشتر بود، آن را به حواشی متن برده و در خطوط کوتاهتری می‌نویسند» (Benjamin, 1887: 228؛ تصاویر ۶ و ۷). آیا می‌توان میان این سخنان ارتباطی قائل شد؟



تصاویر ۹ و ۱۰. به کار بردن خط میخی برای ساخت اثری هنری، شاید بدون توجه به معنا و تصویر ۱۱. سماور و رشواز بروجرد به سال ۱۳۴۱ شمسی، مأخذ: نوروزی طلب، بی تا، ۶۶. مفهوم آنها، مأخذ: اکبری، ۱۳۸۵.

شده و مقام مناسبی کسب کرده‌اند به گونه‌ای که برای بعضی از آنها القاب و مناصبی در نظر گرفته و نام و نشانشان برای نخستین بار به صورت گسترده بر مهرهای ساخت خودشان حک شده و بر اساس همین متن‌های مکتوب شناخت بسیاری از آنها میسر گردیده است (برای اطلاع بیشتر نک: میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۲، جلد ۱۳، ذیل حکاکی). بهره‌گیری از متن قدیم گاهی به تجسم نقش و شکل آنها در هنر امروزی می‌انجامد، به ویژه متن‌هایی که نشان هویت و ملیت و فرهنگ به شمار می‌روند. در این روش گاهی به معنای متن توجهی نمی‌شود و نوشته‌ها از جنبه بصری مورد توجه قرار می‌گیرند (تصاویر ۹ و ۱۰).

دلایل اوج و کمرونی هنرهای سنتی در گذشته صنایع دستی در گذشته‌ای نه چندان دور بخش بزرگی از صنعت، اقتصاد و تجارت کشور را به خود اختصاص داده بود. چه عواملی موجب اوج و حسیض این هنرها شده است؟ با مطالعه متون می‌توان به دلایلی از شکوفایی یا افول یک یا چند گونه از هنرهای صناعی در هر دوره پی برد. مثلاً با توجه به توصیفات بیهقی، خلعت و هدیه دادن در دوره غزنوی و به ویژه توسط سلاطین و دولتمردان، بسیار مرسوم بوده و بیشترین هدایا را صنایع دستی از جمله طوق یا گردنبند مرصع به جواهر، انگشتر خلافت، پارچه، جامه، ابزار جنگی و ... تشکیل می‌داده است که این امر رواج فراوان انواع صنایع دستی از جمله زرگری و جواهرسازی را در آن دوره نشان می‌دهد. نیز با توجه به اینکه بهای بسیاری از صنایع دستی در متن آورده شده، می‌توان به ارزش آثار هنری، مواد مرغوب و مهارت‌های به‌کاررفته در آنها پی برد. به عنوان نمونه، در جایی از متن به دو بند شمشیر مرصع به جواهر اشاره شده و قیمت هر دو را پنجاه هزار دینار ذکر کرده است (بیهقی، ۱۳۷۶، ۱۹۰). مسلمان بهره‌گیری از تولیدات هنری هنرمندان برای

داشته باشد. برای نمونه مسعودی (۱۸۹۴: ج ۱، ۳۰۲: همو، ۱۹۶۵: ج ۲، ۲۲۸) از نه انگشتر خسرو پرویز با کاربردهای گوناگون و برای مراسم ویژه نام برده است. از جمله انگشترهای با یاقوت سرخ و چهره و کتیبه‌ای شامل صفات پادشاه برای نامه‌ها، انگشترهای با خاتم عقیق و نقشه خراسان و حلقه طلا برای دستورات و تذکرها، انگشتری ویژه استحمام و غیره.

نیز در تاریخ بیهقی آمده است: «دختر تختی داشت گفتی بوستانی بود، در جمله جهیز این دختر آورده بودند، زمین آن تخت‌های سیمین درهم بافته و ساخته و بر آن سی درخت زرین مرتب کرده و برگ‌های درختان پیروزه بود با زمرد و بار آن انواع یواقت، ... و گرد بر گرد آن بیست نرگسدان نهاده و همه سپرغم‌های آن از زر و سیم ساخته و بسیار انواع جواهر و ...» (بیهقی، ۱۳۷۶: ج ۸، ۵۱۰). مسلمان این روایت گویای مهارت‌های والای هنر جواهرسازی و ترصیع‌کاری در سده پنجم هجری است و در کنار آن فرهنگ حاکم بر بهره‌گیری از جواهر، اهمیت صنایع دستی در مراسم و نیز دربار، روش‌های مختلف و پیچیده زرگری و ویژگی‌های فنی، هنری، اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای را نشان می‌دهد که امروزه بیشترشان از یادها رفته است. در تاریخ جهانگشای جوینی (۱۳۲۹ ه.ق، ۱۷۷) هم داستان‌های مربوط به کمانگیر و نوع ساختن کمان‌ها، ساختن کمربندهای مرصع و رموز موجود در ساخت آن که متفاوت با سایرین بوده، و تولید ظروف حلبی باورها و آداب و رسوم خاصی را نشان می‌دهد که مبین حضور فرهنگ عامه است.

نمونه دیگر متن سفرنامه سانسون در خصوص مهر داری دوره صفویه به عنوان شغلی مهم است. مهرداد یا کسیکه مهرا را نگهداری می‌کند در روزهای تشریفات همیشه حضور دارد و مهر شاه را که به زنجیری وصل است حمل می‌کند (سانسون، ۱۳۴۶: ۵۳). همین حکاکان و مه‌رسازان در دوره‌های زند و قاجار به دربار فراخوانده



۲۲-۲۳). مکنزی^۱ نیز در سالهای ربع آخر قرن سیزدهم هجری از ورود ظروف فلزی، شمعدان، سماور مسی و برنجی، قوری مسی، میخ، قلاب ماهیگیری، پارچ برنجی، قفل، قوطی‌های نقاشی‌شده، سوزن و سنجاق از روسیه؛ لوئیس پلی^۲ از سماورهای سنگین و ساده روسی که در سرتاسر مسیر تجاری ایران دیده می‌شود، و جرج کرزن^۳ از ورود محصولات فلزی ظروف و قاشق و چنگال از فرانسه و آلمان و اتریش به ایران می‌گوید (مکنزی، ۱۳۵۹: ۲۱۲، ۲۱۵؛ پلی، ۱۳۸۰: ۱۶۱؛ کرزن، ۱۳۴۹: ۱۲۳). واردات این محصولات موجب شکایت بازاریان می‌شود و محمدشفیع قزوینی که از همین بازاریان متضرر است در شکوائیه خود به دولت می‌گوید: «الحال تهران از ... و سماور و اسباب چراغپر شده و صدمات ایران از همین اشیای خارجی است» (قزوینی، ۱۳۷۰: ۹۵).

اما علی‌رغم همه حمله‌ها به دوره قاجار، مبنی برافول هنرهای سنتی و صنایع‌دستی در این دوره، مطالعه متون این دوره زوایای گسترده‌ای از تحول و توجه به آنها را به روی ما می‌گشاید و نشان می‌دهد که در این دوره، در کنار حضيض، اوج صنایع‌دستی نیز بوده و بر اساس متون موجود مسیر تعالی آنها شکل گرفته است. از آن میان ایجاد صنف حلبی‌ساز بود که تا آن زمان وجود نداشت و در اصفهان متولد شد و به تمام ایران گسترش یافت. یا ساخت کفش‌های جدید به نام ارسی، و فلزگران برنج‌کار که با ورود سماور و فلز ورشو (تصویر ۱۱)، به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. نیز عبابافی که باعث ایجاد هزاران موقعیت شغلی برای روستاییان و شهرها گردید. نیز علاقه فزاینده غرب به فرش ایرانی از سده ۱۸ به بعد، که توجه اهل بازار را به این صنعت دستی صدچندان کرد، درحالی که قبلاً فرش ایرانی چنین موقعیتی نداشت (مکنزی، ۱۳۵۹: ۲۱۲، ۲۱۵؛ پلی، ۱۳۸۰: ۱۶۱؛ کرزن، ۱۳۴۹: ۱۲۳).

اهدای دولتمردان و استفاده از آنها در مراسم گسترده ملی از دلایل رونق صنایع‌دستی در یک دوره به شمار می‌رود، در حالی که در برخی دولت‌های گذشته به دلیل ضعف بنیة مالی و اقتدار و امروزه به دلایل دیگر از این‌گونه حمایت‌ها به شدت کاسته شده است. مورد دیگر در اثبات این ادعای تأثیر نوع نگرش بزرگان دین و اخلاق و کردار و گفتار جوانمردان و راستکرداران، در شکوفایی هنرهای سنتی گذشته است. در برخی متون فقه اسلامی صورتگری در کنار خنیاگری و چند شغل دیگر حرام و زرگری و برخی بافندگی‌ها مکروه دانسته شده است (برای نمونه نک به: ذوالمجدین، ۱۳۳۶، ج ۱، ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۸). برخی فتوت‌نامه‌ها نیز در سده هفتم هجری گروه‌های صورتگر، نی‌نواز و سازسازان را شایسته ورود به جمع جوانمردان ندانسته‌اند (ابن معمار بغدادی حنبلی، ۱۹۵۸، ۱۷۶-۱۷۸؛ مولانا ناصری، بی تا، ۱۰-۱۲). شاید نمونه‌هایی از این دیدگاه‌های مذهبی و عرفی سبب شده تا برخی پژوهشگران به این نتیجه برسند که تحریم صورتگری دست‌کم از قرن سوم تا پنجم هجری محدودیتی در نقاشی به وجود آورده و همین تحریم صورتگری دلیل اعراض هنرمند مسلمان از طبیعت‌نگاری بوده است (پاکباز، ۱۳۸۵، ۵۴، ۶۰-۶۲)؛ و اینکه در دوره ایلیخانین مغول خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر غازان و الجایتو، مجبور شده هنرمندان خارجی به‌ویژه نقاشان چینی را در ربیع رشیدی گرد آورد تا کتاب جامع‌التواریخ را نگاشته و مصور کنند از همین مقوله سرچشمه می‌گیرد.

مثال دیگر در این خصوص ورود بی‌رویه کالاهای خارجی به ایران هم‌زمان با دوره قاجار است که منجر به افول بسیاری از صنایع‌دستی ایران گردید. این بی‌رونقی را تحویلدار و فلور در توصیف بازار اصفهان با حسرت بیان می‌کنند (تحویلدار، ۱۳۴۱، ۹۷-۱۱۲؛ فلور، ۱۳۹۲،

نتیجه

اطلاعات امروزی از صنایع‌دستی گذشته اندک و بیشتر معطوف به وصف و صورت‌نمایی آثار به‌دست‌آمده و موجود است و بسیاری از ویژگی‌های معنایی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی آنها در مسیر پرفراز تاریخ جا مانده است. بنابراین در تلاش برای دستیابی به اطلاعات فزون‌تر درباره صنایع‌دستی دوره اسلامی، به جستجو در متونی پرداخته شد که مستقیماً و به صورت تخصصی به صنایع‌دستی ارتباطی نداشتند، اما از آنجا که تولید و استفاده از صنایع‌دستی ساختارهای مختلف اجتماعی، سیاسی، تاریخی، اقتصادی، دینی و فرهنگی گسترده‌ای را در هر دوره در نور دیده است، متون فراوانی با موضوعات تاریخی، جغرافیایی، فقهی، دینی، درباری، ادبی، داستانی، علمی و غیره بررسی گردید و این نتیجه حاصل شد که با سیر در متون فراوان گذشته، می‌توان به اطلاعات دامنه‌داری از صنایع‌دستی گذشته دست یافت و اطلاعات پیرامونی و امروزی صنایع‌دستی را به واقعیت‌های تاریخی آنها گره زد. از جمله می‌توان به بخش‌هایی از هویت

1. C. Mackenzie
2. Lewis Pelly
3. Nathaniel George Curzon

فراموش شده صنایع دستی پی برد؛ برخی از روش‌های دستیابی به رونق، باورها، آداب و رسوم، نگرش‌ها و سنت‌های پیرامون صنایع دستی را مشخص کرد؛ بعضی از نظریات و فرضیات امروز درباره هنرهای دوره اسلامی را، که شاید با دیدگاه‌های دوره معاصر بیان گردیده است، تصحیح یا تقویت کرد؛ در سامان‌دهی و اصلاحات ساختاری و نامگذاری صنایع دستی، اصالت و پیشینه واقعی آنها را در نظر گرفت؛ و اینکه در پژوهش‌های ساختارشناسانه، تجسمی، تطبیقی، ریشه‌شناسانه، تأویل نقوش و ترسیمات و طرح‌های تصویر شده بر آثار صنایع دستی، احیای هنرها و نگاره‌های فراموش شده، و دوری جستن از مبالغه‌ها و درشت‌پردازی‌های حول هنرهای سنتی، متون کهن، مراجع و یاران مورد اعتمادی هستند.

منابع و مأخذ

- ابن المعمار البغدادی الحنبلی، ابو عبدالله محمد بن المکارم. ۱۹۵۸. کتاب الفتوه. بغداد: مکتبه المثنی، مکتبه الشفیق.
- ابن خلدون. ۱۹۸۸. تاریخ ابن خلدون، المُسمّی دیوان المبتدا والخبر. بیروت: چاپ خلیل شحاده و سهیل زکار. ابن عربی، محی الدین. ۱۳۵۷. تفسیر القرآن الکریم، ج ۲. تهران: ناصر خسرو.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی. ۱۹۹۹. المختصر فی اخبار البشر، ج ۴. قاهره: چاپ محمد زینهم و دیگران.
- اردلان، نادر و لاله بختیار. ۱۳۷۹. حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی. ترجمه حمید شاهرخ. اصفهان: نشر خاک.
- اکبری، عباس. ۱۳۸۵. خوانش متون کهن. کاشان.
- همو. ۱۳۹۳. درس‌هایی از محمد بن ابی البرکات جوهری نیشابوری. کاشان
- انصاری، خواجه عبدالله انصاری. ۱۳۷۵. کشف الاسرار و عده الابرار، ج ۹. تهران: امیرکبیر.
- بورکهارت، تیتوس. ۱۳۶۵. هنر اسلامی، زبان و بیان. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: سروش.
- بیهقی دبیر، محمد بن حسین. ۱۳۷۶. تاریخ بیهقی. ویرایش متن: جعفر مدرس صادقی. تهران: نشر مرکز.
- پاکباز، رویین. ۱۳۸۵. نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. تهران: زرین و سیمین.
- پرهام، سیروس. مرداد و شهریور ۱۳۷۱. «فرش‌گره بافته در متون فارسی سده‌های نخستین اسلامی»، مجله نشر دانش، س ۱۲، ش ۵.
- پلی، لویس. ۱۳۸۰. سفرنامه جنوب ایران، در جنوب ایران به روایت سفرنامه نویسان. ترجمه حسن زنگنه، شیراز: نشر نوید.
- تحویلدار، میرزا محمد حسین خان. ۱۳۴۱. جغرافیای اصفهان. به کوشش م. ستوده. تهران: دانشگاه تهران
- الثعالبی، ابی منصور. ۱۹۶۳. تاریخ غرر السیر، تهران.
- جوینی، علاءالدین عظاملک. ۱۳۲۹ ه. ق. تاریخ جهانگشای جوینی. به اهتمام محمد قزوینی. لیدن، هلند
- خزایی، محمد. شهریور ۱۳۸۷. «شمسه؛ نقش حضرت محمد در هنر اسلامی ایران»، کتاب ماه هنر، ش ۱۲۰.
- نوالمجیدین، زین العابدین. ۱۳۳۶. شرح تبصره آیت‌الله علامه حلی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رجبی اصل، موسی. ۱۳۸۱. نقش و رنگ در بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی. اردبیل: انتشارات اداره میراث فرهنگی اردبیل
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۳۷. «شیوه نقد و تصحیح متون»، مجله سخن، دوره ۹، ش ۱.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر. ۱۲۸۱ هجری. الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، ج ۲، قاهره، دار الطباعة المصریه
- سانسون، ۱۳۴۶. سفرنامه سانسون. ترجمه تقی تفضلی. تهران: ابن سینا.
- شاردن، ژان. ۱۳۶۲. سیاحتنامه شاردن. ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.



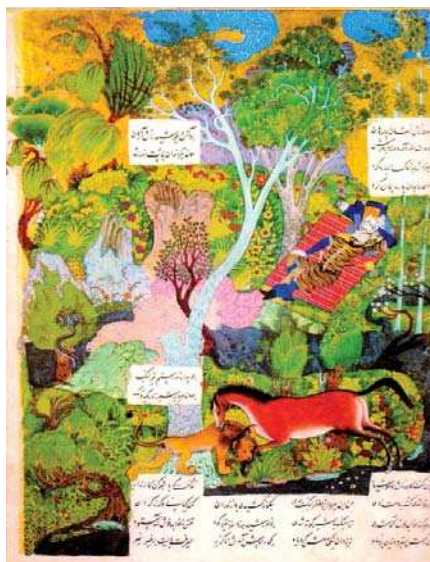
- طالقانی، نظر علی بن سلطان محمد. ۱۳۷۳. کاشف الاسرار. تهران: مؤسسه رسا.
- طبری، محمد بن جریر. ۱۳۴۴. تفسیر طبری، ج ۷. تصحیح حبیب یغمایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- همو. ۱۳۷۴. تاریخ طبری، به تصحیح و تحشیه محمد روشن. تهران: سروش.
- عبدی بیک شیرازی، خواجه زین العابدین علی. ۱۹۷۴. دوحه الازهار. مسکو.
- علامی، شیخ ابوالفضل. ۱۸۷۷. آیین اکبری. کلکته.
- عوفی، سدیدالدین محمد. ۱۳۸۲. جوامع الحکایات و لوامع الروایات. به کوشش جعفر شعار. تهران: علمی و فرهنگی.
- علوی نژاد، حیدر. بهار و تابستان ۱۳۷۹. «فهم متن در افاق تاریخی آن»، پژوهشهای قرآنی، س ۶، ش ۲۱ و ۲۲.
- فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر. بی تا. التفسیر الکبیر، ج ۲۹. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۹۱. شاهنامه. تهران: پارمیس.
- فلور، ویلم. ۱۳۹۲. صنایع کهن در دوره قاجار. ترجمه علیرضا بهارلو. تهران: پیکره.
- قزوینی، محمد شفیع. ۱۳۷۰. قانون قزوینی. بکوشش ایرج افشار. تهران: نشر طلایه.
- قیومی بیدهندی، مهرداد. پاییز و زمستان ۱۳۸۹. «بازنگری در رابطه میان هنر و عرفان اسلامی بر مبنای شواهد تاریخی»، تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۶، ش ۱۲.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین. ۱۳۵۷. تاریخ جدید یزد. تهران: چاپ ایرج افشار.
- کرزن، جرج. ۱۳۴۹. ایران و قضیه ایرانی. ترجمه غ. وحید مازندرانی. تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- کلاویخو، گنزاله دو. ۱۳۴۴. سفرنامه کلاویخو. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران.
- کلبادی نژاد، مریم. ۱۳۹۱. «بررسی آزمایشگاهی و مطالعه سبکی کاشی‌های زرین فام موجود در آستانه حضرت معصومه و آستانه حضرت رضا». رساله دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کمپفر، انگلبرت. بی تا. سفرنامه کمپفر. ترجمه کیکاوس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- مسعودی، علی بن حسین. ۱۸۹۴. کتاب التنبیه و الاشراف. چاپ دخویه، لیدن.
- مسعودی، علی بن حسین. ۱۹۶۵. مروج الذهب و معادن الجوهر. بیروت: چاپ شارل پلا.
- مکنزی، چارلز فرانسیس. ۱۳۵۹. سفرنامه شمال. ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی). تهران: گستره.
- مولانا ناصری. بی تا.
- به تصحیح فرانتس تشنر.
- میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق. ۱۳۹۲. «حکاکی»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۱۳، تهران: نشر بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- ناصر خسرو قبادیانی. ۱۳۸۹. سفرنامه. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: زوآر.
- نجیب اوغلو، گلرو. ۱۳۷۹. هندسه و تزیین در معماری اسلامی. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: روزنه.
- نوروزی طلب، حمیدرضا. بی تا. تجلی ذوق ایرانی در نمایشگاه آثار موزه‌های صنایع دستی معاصر ایران. تهران: انتشارات سازمان صنایع دستی.
- نیکخواه، هانیه. ۱۳۹۳. «واکاوی خاستگاه سفال زرین فام ایران»، رساله دکتری تخصصی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل الله. ۱۳۵۰. وقفنامه ربع رشیدی. تهران: انجمن ملی آثار باستانی.

Benjamin, S.G.W.1887. Persia and the Persians, London: John MurrazOlmer, l-j.1908. “Rapport sur une Mission Scientifique en Perse”, Nou-Velles Archives des Missions Scientifiques, vol. 16.Paris

An Examination of Contexts of the Study of Handicrafts in Islamic-era Past Texts of Iran

Abdolkarim Attarzadeh, Assistant Professor, Soore University, Tehran, Iran.

Recieved: 2016/2/20 Accepted: :2016/10/9



Handicrafts have been mentioned in various ways in the past texts, but they are not highlighted in the present-day studies. Thus exploration to realize more about the history of handicrafts, underlines the necessity of examination of the texts. To gain knowledge about the manifestation of handicrafts in texts, anextensive examination was performed to answer the following questions: 1- with regard to the vast thematic variety of texts in the Islamic era, which historical texts should be explored for the information about handicrafts? 2- With regard to which contexts and qualities of the handicrafts may these texts be studied? The goal of this research is to provide wider referential and scholarly possibilities for the handicrafts researcher and to create new research themes in the field of handicrafts through exploration of the texts and thus to reveal parts of the unseen information of the past handicrafts. The data were gathered through exploration in numerous past texts, available in libraries, and selection of the various contexts of manifestation of handicrafts in them. To describe the selected texts as well as the introduction of the thematic contexts, the research method was descriptive-analytical based on library sources. The results show that the information on handicrafts is available in a variety of geographical, historical, medical, scientific, religious, epic, royal texts, travel literature, etc. and include diverse contexts of information and knowledge about handicrafts, such as: recognition of the unknownparts of the handicrafts;revelation of the common titles and names of the past; revival of the forgotten handicrafts; discovery of the cultural and intellectual realities with regard to the handicrafts, and organization and classification of them.

Keywords: Past Texts, Handicrafts, Traditional Arts, Islamic Period, Iran.